

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

تفصیل محقق نائینی در مقدمه حرام و مکروه

مرحوم محقق نائینی (قده) در بحث مقدمه حرام تفصیل دیگری داده‌اند که از تفصیل مرحوم آخوند فاصله زیادی ندارد و تفاوت‌های مختصری بین آنها وجود دارد.

ایشان مسأله را مجموعاً پنج صورت کرده‌اند. (أجود التقريرات: 1: 361).

ایشان فرموده‌اند کسی که مقدمه حرامی را انجام می‌دهد دو صورت دارد؛ یا بعد از انجام مقدمه یک مانعی از ارتکاب حرام دارد، که مانع می‌شود از اینکه خود حرام و ذی المقدمه را انجام دهد، یا صارف و مانعی وجود ندارد. در صورتی که مانعی در کار باشد، تردیدی نیست که این مقدمه ولو مقدمه حرام است، اتصاف به حرمت غیریه پیدا نمی‌کند و حرام به حرمت غیره و مقدمی نمی‌شود.

مثلاً کسی می‌داند اگر وارد خانه کسی شود، آنجا شراب وجود دارد و رفتن به این خانه مقدمه این است که انسان شرب شراب کند. ولی می‌داند کسی آنجا وجود دارد که نمی‌گذارد این شخص مرتکب شرب شود. اینجا رفتن به آن خانه حرمت غیره و حرمت مقدمی ندارد.

البته حضور در سفره شراب یک مسأله و عنوان دیگری دارد. ولی رفتن به آن خانه که عنوان مقدمه دارد از این باب که صارف وجود دارد، عنوان حرام ندارد. در مورد سفره شراب با قطع نظر از مسأله مقدمیت، دلیل داریم بر اینکه سفره‌ای که در آن شراب باشد نشستن کنار آن سفره ولو با علم به اینکه خود این شخص استفاده نمی‌کند حرام است.

بحث مقدمه حرام در فقه مثال زیاد دارد، مثلاً همین سؤال‌هایی که امروزه وجود دارد که وارد مجالس عروسی می‌شوند که در آن مجلس آهنگ‌های غیر مشروع استفاده می‌شود، ورود به این عروسی و این مجلس آیا حرام است یا نیست؟ از همین بحث مقدمه حرام می‌شود نتیجه گرفت و به آن رسید.

پس اگر صارف باشد ایشان تردیدی ندارد که این مقدمه، عنوان حرام ندارد. حال اگر صارفی در کار نباشد، فرموده‌اند اینجا که صارف در کار نیست مسأله دو صورت دارد؛ یا عنوان مقدمه و عنوان ذی المقدمه هر دو در یک شیء واحد اطلاق دارند، ولو از نظر عنوان دو عنوان متعدد هستند، اما در وجود مشترک‌اند، و یا در وجود اشتراک ندارند.

اگر در وجود اشتراک داشته باشند، یعنی صارف در کار نیست، عنوان محرم ذی المقدمه و عنوان مقدمه منطبق بر یک شیء

واحد است.

مثالی که مرحوم نائینی زده‌اند این است که اگر انسان در زمین غصبی در حال وضو گرفتن است و آب را روی بدن خود می‌ریزد و از بدن آب جدا می‌شود و روی زمین غصبی ریخته می‌شود، اینجا فرموده‌اند حکم متعلق به آن ذی المقدمه، متعلق به مقدمه هم هست.

البته در این تعبیر ابتداء فرموده‌اند این مثل افعال تولیدیه می‌شود، همان طور که در افعال تولیدیه حکم متعلق به آن فعل تولیدی، متعلق به مقدمه هم هست، اینجا از قبیل افعال تولیدیه می‌شود اما بعد فرموده‌اند این از باب اجتماع امر و نهی می‌شود. در اینجایی که صارف نیست و عنوان ذی المقدمه و عنوان مقدمه در عالم خارج دو وجود ندارد.

این إجراء الماء علی اجزاء البدن اینطور نیست که یک وجود جدا بر آب در بدن باشد و یک وجود جدا بر آب در زمین غصبی. همین آبی که بر اجزاء البدن جاری می‌شود همین آب روی زمین غصبی ریخته می‌شود.

ابتدا فرموده‌اند عنوان افعال تولیدیه دارد بعد گفته‌اند از باب اجماع امر و نهی و از مصادیق اجتماع امر و نهی است. پس آنجایی که منطبق بر شیء واحد هستند، حکم‌شان این است.

لذا می‌فرماید ما باید ببینیم در باب اجتماع امر و نهی، اجتماعی هستیم یا امتناعی.

عمده این صورت است که اگر صارفی نیست و این دو عنوان دو وجود در عالم خارج دارد، منطبق بر یک وجود و یک شیء واحد نباشد. ایشان فرموده‌اند یا مقدمه علیت تامه دارد یا ندارد، اگر مقدمه علت تامه باشد، تردیدی نیست در اینکه خود مقدمه حرام است نه به حرمت غیری. آنجا که مقدمه علت تامه برای ذی المقدمه است، حرمت، حرمت نفسی است.

یا اینکه علیت تامه ندارد؛ که یا به داعی وصول به ذی المقدمه است یا به داعی وصول به ذی المقدمه نیست.

اگر مقدمه علت تامه برای ذی المقدمه نباشد، لکن مکلف که این مقدمه را انجام می‌دهد به داعی وصول به ذی المقدمه است (می‌خواهد به ذی المقدمه برسد)، اینجا مردّد هستیم بگوییم این مقدمه از باب تجری حرام است یا از باب حرمت غیری حرام است.

یک وجه این است که بگوییم کسی که مقدمه حرامی را انجام می‌دهد و این مقدمه ولو علیت تامه برای ذی المقدمه ندارد، اما چون به داعی وصول به ذی المقدمه انجام می‌دهد، این می‌شود عزم بر معصیت و تجری، و تجری هم حرمت نفسی دارد. این یک احتمال.

احتمال دیگر این است که بگوییم حرمت مقدمه در اینجا حرمت غیری است، و اگر داعی بر وصول به ذی المقدمه نباشد، وجهی ندارد که بگوییم مقدمه، عنوان حرام غیری دارد.

پس پنج صورت شد، به این ترتیب؛

یک صورت این است که بعد از انجام مقدمه، صارف دارد،

چهار صورت دیگر اینکه صارف ندارد. آن چهار صورت اینهاست:

1- صارف ندارد و عنوان مقدمه و ذی المقدمه منطبق بر شیء واحد است.

2- عنوان مقدمه و ذی المقدمه منطبق بر شیء واحد نیستند و مقدمه، علیت تامه دارد.

3- مقدمه، علیت تامه ندارد، اما قصد وصول به ذی المقدمه است.

4- مقدمه، علیت تامه ندارد، قصد وصول به ذی المقدمه هم نیست.

آن چهار صورتی که صارف ندارد مجموعاً همین شد که ما بیان کردیم.

در کتاب اجود التقريرات مسأله قصد وصول به ذی المقدمه و عدم وصول مطرح نشده، اما مرحوم آقای خویی وقتی در کتاب محاضرات نظریه مرحوم نائینی را بیان می‌کنند، این مسأله قصد وصول و عدم وصول را مطرح کرده‌اند.

مرحوم آقای خویی وقتی نظر مرحوم نائینی، استادشان را (محاضرات 2: 439) می‌فرمایند، می‌فرماید استاد ما در این مسأله سه صورت کرده‌اند و دیگر پنج صورت را بیان نمی‌کنند.

سه صورتی که آنجا است این است:

صورت اول: آنجایی که بین مقدمه و ذی المقدمه اختیار مکلف واسطه نمی‌شود.

این همین است که فرمودند مقدمه علیت تامه برای ذی المقدمه دارد و مکلف قدرت بر ترک ندارد.

می‌فرمایند اینجا که عنوان علیت تامه است، حرمتی که وجود دارد حرمت نفسی است و غیری نیست.

مرحوم آخوند در کفایه همین فرض را، یعنی آنجایی که مقدمه علت تامه برای ذی المقدمه است و اختیار مکلف واسطه نشده، می‌فرماید مقدمه اینجا حرام است. اما ظاهر عبارت مرحوم آخوند این بود که این حرمت غیری است.

اما مرحوم نائینی می‌فرمایند این حرمت در این فرضی که مقدمه، علت تامه برای ذی المقدمه است، حرمت نفسی است. چرا؟ اینجا ولو به حسب ظاهر نهی بر ذی المقدمه وارد شده است، ولو به حسب ظاهر متعلق نهی، خود ذی المقدمه است، اما واقعاً نهی تعلق به خود مقدمه پیدا کرده است، چون آن علت تامه است برای این ذی المقدمه، لذا حرمت نفسی است.

صورت دوم: آنجایی که بین مقدمه و ذی المقدمه اختیار مکلف واسطه می‌شود، یعنی بعد از مقدمه، مکلف باید اراده کند، بعد از اراده، ذی المقدمه محقق شود. آنگاه اگر قصد وصول به حرام را هم دارد.

مرحوم آقای خویی می‌فرمایند اینجا استاد ما تردید دارد که این حرمت مقدمه، آیا از باب تجری است یا از باب حرمت غیری؟ در جایی که علت تامه نیست و اختیار مکلف واسطه می‌شود، فرموده‌اند مسلماً مقدمه حرام است، اما اینکه آیا این حرمت نفسی، از باب تجری است یا حرمت غیری، محقق نائینی تردید دارد.

صورت سوّم: همین صورت دوّم است، اما قصد وصول به ذی المقدمه ندارد. فرموده‌اند اینجا وجهی ندارد که بگوییم این مقدمه حرام است.

لذا مرحوم آقای خویی کلام مرحوم نائینی را سه صورت کرده‌اند.

مرحوم امام(ره) در اینجا متعرض تفصیل مرحوم نائینی نشده‌اند. تفصیل دیگری که بی‌شباهت به این تفصیل نیست از استادشان مرحوم حائری(قده) در درر الفوائد نقل کرده و مورد نقد قرار داده‌اند.

نقد استاد محترم بر تفصیل محقق نائینی

آیا این تفصیل محقق نائینی درست است یا نه؟ دیروز که تفصیل مرحوم آخوند را عرض کردیم ملاحظه فرمودید آن سه اشکالی که به تفصیل مرحوم آخوند وارد شد، اشکالات واردی نبود. مرحوم آخوند و مرحوم نائینی در این فرض که مقدمه، برای ذی المقدمه علیت تامه دارد و اراده مکلف، واسطه نمی‌شود، هر دو اتفاق دارند بر اینکه این مقدمه حرام است.

منتها مرحوم آخوند این را از باب حرمت غیری و مقدمی می‌دانند، اما مرحوم نائینی آن را از باب حرمت نفسی می‌داند.

دلیلی که مرحوم نائینی اقامه کرده تام نیست.

ایشان می‌فرمایند در جایی که مقدمه، علیت تامه دارد، برای ذی المقدمه و اختیار مکلف واسطه نیست، حرمت در حقیقت به مقدمه تعلق پیدا کرده است. چرا؟ اینکه اختیارش با ما نیست. فرض کنید مقدمه کشتن یک نفر این است که انسان او را از یک بلندی پرتاب کند.

آنچه دلیل داریم این است که کشتن شخص حرام است، مقدمه آن پرت کردن از بلندی است، بعد که او را پرت کرد در وسط راه نمی‌تواند بگوید نظر من برگشت. اراده او دخالت ندارد.

اینجا درست است که علیت تامه برای ذی المقدمه دارد، اما ما یک قانونی داریم که احکام نمی‌توانند از متعلقات خود تجاوز و سرایت کنند. دلیل می‌گوید قتل حرام است نه پرت کردن از بلندی. دلیل می‌گویند آنچه حرام و متعلق برای حرمت است قتل است، حکم از متعلق خودش به چیز دیگری تجاوز نمی‌کند. نمی‌شود گفت این در ظاهر این چنین است اما در واقع آنچه حرام است القاء است. نه عرف با او مساعدت دارد و نه ظواهر ادله با آن مساعدت دارد و هیچ وجهی برای این فرمایش مرحوم نائینی نیست.

لذا این دلیل که ایشان آورده‌اند به نظر دلیل تامی نیست.

لکن مرحوم آخوند بین اینجا که علیت تامه دارد و آنجایی که علیت تامه ندارد و اراده مکلف واسطه می‌شود بین مقدمه و ذی المقدمه فرق گذاشته‌اند و در جایی که عنوان علیت تامه دارد می‌فرمایند اگر گفتیم مقدمه واجب، واجب است، اینجا هم باید گفت مقدمه حرام، حرام است. اینجا ملازمه وجود دارد و باید گفت این مقدمه، عنوان حرام را دارد.

فرق این فرض اوّلی که مرحوم نائینی فرموده با فرض اوّلی که مرحوم آخوند فرموده‌اند را ملاحظه فرمودید که استدلال مرحوم نائینی تام نیست.

حال می‌رویم سراغ کلام مرحوم آخوند. آیا مجرد علیت تامه، سبب می‌شود که بگوییم این مقدمه حرمت شرعی دارد؟ یک حرمت شرعی مولوی غیری؟ القاء و پرت کردن از بالا هم بگوییم حرام است. آنگاه نتیجه آن در این ظاهر می‌شود که اگر القاء واقع شد اما تصادفاً ذی المقدمه واقع نشد، باز بگوییم کار حرامی انجام داد. در جایی که علت تامه است اما تصادفاً ذی المقدمه واقع نشده، بگوییم در اینجا باز این مقدمه عنوان حرام دارد.

عمده بحث در اینجا متمرکز می‌شود یعنی اگر این را مشخص کنیم، بقیه بحث روشن است. یعنی آن صورتی که اراده مکلف واسطه می‌شود، چه بگوییم قصد وصول به ذی المقدمه دارد چه ندارد، قطعاً آنجا حرمتی در کار نیست. جایی که قصد وصول ندارد قطعاً حرمتی در کار نیست. مقدمه حرامی را انجام می‌دهد بعد هم اختیار می‌خواهند واسطه شود با این مقدمه قصد وصول به ذی المقدمه را ندارد، چرا بگوییم این مقدمه حرام است. وجهی برای این که بگوییم این مقدمه، حرمت غیری دارد نیست.

در مسأله قصد وصول به ذی المقدمه، در بحث مقدمه واجب، نظر مرحوم شیخ این بود که مقدمه‌ی واجبی واجب است که قصد وصول به ذی المقدمه باشد. در اینجا مقدمه‌ای را انجام داده و اراده هم واسطه بین این دو است و قصد وصول به ذی المقدمه هم دارد، آنجا اثبات کردیم قصد وصول به ذی المقدمه نقشی ندارد. در حرمت یا در وجوب غیری این مقدمه، بین جایی که قصد وصول باشد یا قصد وصول نباشد فرقی وجود ندارد و بحث آن مفصل گذشت.

لذا جایی که قصد وصول دارد یا قصد وصول ندارد برای ما روشن بود که آن مقدمه، عنوان حرمت غیری ندارد. تنها موردی که مقداری جای دقت دارد همین مورد است.

آیا جایی که مقدمه، علیت تامه برای ذی المقدمه دارد و اختیار مکلف هم واسطه نیست، در اینجا می‌توانیم ملتزم شویم به اینکه این مقدمه دارای حرمت غیری است؟

حرمت نفسی که مرحوم نائینی قائل شده‌اند را که جواب دادیم و گفتیم وجهی ندارد و گفتیم آن دلیلی که مرحوم نائینی آورده، دلیل درستی نیست. آیا این مقدمه حرمت غیری دارد یا نه؟

اینجا به نظر می‌رسد که عرف ملازمه‌ای را می‌بیند. عرف در اینجا می‌گوید این مقدمه باید حرام غیری باشد.

بعبارة آخری؛ ولو در باب مقدمه واجب، کسی مقدمه واجب را واجب نداند، در مقدمه واجب کسی ملازمه را نپذیرد، اما اینجا عرف ملازمه‌ای را می‌بیند، عرف می‌گوید اگر قتل حرام است، آنچه علیت تامه برای آن دارد هم حرام است، منتها به حرمت غیری نه حرمت نفسی.

ذا باید مقداری در اقوال هم بررسی شود، آیا کسی وجود دارد که مقدمه واجب را به هیچ وجهی واجب نداند، اما به مقدمه حرام که می‌رسد این صورت آن را که علیت تامه برای ذی المقدمه دارد، این را حرام بداند.

ظاهر این است که مقتضای قواعد همین است. در مقدمه واجب هیچ دلیلی پیدا نکردیم بر وجوب غیری مقدمه‌ی واجب. اما در مقدمه حرام چون وقتی حرمت است، عرف ملازمه‌ی شدید‌ای را می‌بیند. اگر به عرف بگوییم مولا القاء را مباح می‌داند اما قتل حرام است، این را نمی‌تواند قبول کند و ملتزم کند. عرف ملازمه‌ی شدیدی را بین این مقدمه و ذی المقدمه می‌بیند و حق با مرحوم آخوند می‌شود که بالاخره در مقدمه حرام باید تفصیل داد.

جایی که مقدمه علت تامه دارد باید ملتزم شویم که حرام است و جایی که علت تامه ندارد، عنوان حرمت ندارد.

کلام پایانی در بحث مقدمه واجب

این آخرین بحث در مقدمه واجب بود که بحمد الله بحث مقدمه واجب با تمام تحقیقات و نظریات و دقت‌ها به صورت مستوفی بحث شد.

اگر بحث مقدمه واجب ثمره چندانی نداشته باشد، اما بحث‌های بسیار مهمی در بحث مقدمه واجب بود. که اگر بتوانیم در این مدتی که این بحث مقدمه واجب شد مباحث ریشه‌ای را استخراج کنیم، بسیار مفید خواهد بود. مثلاً مهم‌ترین جایی که بحث حکم، جعل و مجعول شده در باب مقدمه واجب است.

یکی از کارهایی که باید در علم اصول انجام شود که متأسفانه هنوز نشده همین است که مثلاً از اوّل تا آخر اصول جاهایی که بعنوان حکم عقل است استخراج شود. از ما سوال می‌شود که یک مثال بزنیم در باب مستقلات عقلیه، می‌گوییم العدل حسن، می‌گویند یک مثال دیگر بزنید، می‌مانیم! در حالی که در کتاب کفایه مرحوم آخوند، بیش از ده، دوازده مورد را بیان کرده و گفته لاستقلال العقل.

انسان اینها را استخراج کند، مجموعه‌ای در می‌آید و می‌تواند تحقیقاتی را ارائه کند.

إن شاء الله فردا بحث ضد را شروع می‌کنیم که از مباحث بسیار مهم است و هم از جهت بحث اصولی مفصل بحث شده و هم در فقه ثمرات زیادی دارد.

و صلّی الله علی محمد و آله الطاهرين